



دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد. یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کنند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم. همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مساله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

یادداشت ۱

پسر تقریباً جوانی بود که موهای سرش در واقع یکی بود، یکی نبود بود. ابتدا تقاضای ویتامین برای تقویت موی سرش داشت. به ایشان مولتی ویتامین حاوی زینک توصیه کردم که گفت زیاد مصرف کرده ام. یک شامپو برای تقویت مو و جلوگیری از ریزش مو پیشنهاد کردم که باز هم پاسخ داد از این شامپو هم زیاد مصرف کرده‌ام. البته، برای ایشان توضیح دادم که مساله ریزش مو تا حدود زیادی ارثی است که داروها می‌توانند زمان ریزش را عقب بیاورند و اصل ریزش را از بین نمی‌برند. دست آخر سراغ دارویی را گرفت که تازگی از طریق ماهواره تبلیغ می‌شود. برایش توضیح دادم که داروهای تبلیغ ماهواره‌ای مجوز ورود ندارند و اگر هم در داروخانه‌ای وجود داشته باشد، قانونی نیست و مورد تأیید مراجع رسمی دارو نمی‌باشد.

یادداشت ۲

پیرمردی به داروخانه مراجعه کرد و تقاضای یک برگ داروی خواب آور داشت. اگرچه در این گونه موارد مریض را راهنمایی می‌کنیم که بهتر است نسخه داشته باشد، ولی با چند سؤال و جواب معلوم شد که چون شب‌ها خوابش نمی‌برد، این دارو را می‌خواهد.

از روی ترحم که پیرمرد ناامید و دست خالی از داروخانه نرود، یک ورق قرص آلپرازولام نیم میلی‌گرمی به ایشان دادم.

یک ساعت بعد خانم جوانی با آن ورق داروی آلپرازولام وارد شد و با توپ پر ما را مورد سرزنش

قرار داد که چرا به پیرمرد دارو داده ایم؟ معلوم شد که پیرمرد مشکل خفیف روانی داشته و نزدیک بوده هر ده عدد قرص را یک‌جا بخورد. از ایشان عذرخواهی کردیم و توضیح دادیم که بیشتر مراقب باشند تا ایشان تنها از خانه خارج نشوند. با خودم هم شرط کردم که دیگر در این گونه موارد ترحم بی ترحم!

یادداشت ۳

جوان حدوداً ۱۶ ساله‌ای به داروخانه مراجعه کرد و وقتی جلوی پیش خوان قرار گرفت، تقاضای قرص سیتالوپرام ۲۰ میلی‌گرمی داشت. جوان تازه کرک‌هایی روی صورتش سبز شده بود و اعلام می‌داشت که قرص را برای مادر بزرگش می‌خواهد. چند سؤال و جواب از او کردم و از او نسخه خواستم. جوان از این که سؤال و جواب می‌کردم و از او نسخه می‌خواستم خیلی تعجب کرده بود و خطاب به من گفت: آقای دکتر یک ورق قرص که این قدر سؤال و جواب و بازجویی نمی‌خواهد! پاسخ دادم: سؤال و جواب و به قول شما بازجویی برای این است که داروی مورد درخواست شما دارویی عصبی است که احتیاج به نسخه دارد. ظاهراً تا آن موقع چنین مساله‌ای را در داروخانه‌های دیگر که مراجعه کرده بود، نداشت.

یادداشت ۴

بعضی افراد وقتی به داروخانه مراجعه می‌کنند توقع دارند که داروخانه در برابر تقاضای دارو، همان عکس‌العملی را داشته باشد که مثلاً سوپرمارکت

زمستان سرما نمی‌خورند که این تصور کاملاً غلطی است. همه ساله هم وقتی این واکسن وارد داروخانه می‌شود و افراد برای تهیه آن مراجعه می‌کنند کلی با همه کلنجار می‌رویم تا آن‌ها را قانع کنیم که مصرف این واکسن چگونه است و اثرات آن چگونه می‌باشد و خلاصه کلی تلاش می‌کنیم که اثر اصلی آن‌را برای مراجعه‌کنندگان جا بیندازیم.

یادداشت ۶

یکی از داروهایی که در بین مردم و پزشکان جا افتاده است که باعث افزایش اشتها می‌شود، داروی سیپروهپتادین است. این دارو در اصل دارویی آنتی‌هیستامین است که یکی از عوارض آن، افزایش اشتها خصوصاً در کودکان است.

اخیراً شربت سیپروهپتادین با نام تجاری «راسیپ» از سوی یکی از کارخانه‌های داخلی تولید شده و طرفداران زیادی هم پیدا کرده است. دیروز وقتی این شربت را به خانمی که تقاضای شربت اشتها آور داشت معرفی کردم با مساله جدید مواجه شدم.

خانم به من گفت: می‌گویند شربت سیپروهپتادین نازایی می‌آورد!

پرسیدم: چه کسی چنین چیزی گفته؟

گفت: مردم می‌گویند!

قانعش کردم و گفتم که این می‌گویندها هیچ کدام پایه علمی ندارد!

محلّه برای تقاضای شیر پاکتی دارد. توضیح دادم که داروی نسخه شما متفورمین است که دارویی تخصصی است که نوع مصرف آن برای بیماران دیابتی و بیمارانی که برای درمان کیست تخمدان این دارو را مصرف می‌کنند، فرق دارد و دکتر داروساز داروخانه مسؤلیت دارد که سؤال و جواب کند تا معلوم شود که چی به چی هست!

من هم سؤال راجع به مصرف دارو که پزشک ۱/۲ قرص روزانه تجویز کرده است را جزء مسؤولیت خودم می‌دانم تا درست راهنمایی کنم. ضمناً بیمار شما مشکل خاصی ندارد و شما و ما و همه باید یاد بگیریم که همیشه نیمه پر لیوان را ببینیم.

یادداشت ۵

مساله واکسن آنفلوانزا و زمان تزریق آن معمولاً در داروخانه مساله ساز است. این دارو معمولاً از زمان ساخت یک سال تاریخ مصرف دارد و وقتی به ایران می‌رسد حدود ۸ ماه از تاریخ مصرفش باقی مانده است. این دارو معمولاً از اواسط مردادماه هر سال توزیع می‌شود و حداکثر تا اردیبهشت سال بعد تاریخ مصرف دارد.

یکی از مشکلات بیماران متقاضی این دارو این است که فکر می‌کنند این واکسن، واکسن سرماخوردگی است و اگر تزریق کنند در طول